

مهربانی جادوگر است

رقیه توسلی: «... حسابی پشتش باد خورده... یعنی خیر دیده اجازه نداد چند هفته بگذره بعد بیفته به بق نق... آخه کیه که چهارمین روز بگه بس نیست؟ چقد دیگه باید درس بخونم؟ فسقل خانوما تازه تهدیدم کرد که امروز هیچی تغذیه نمی‌خورم، چون تو مادر خوبی نیستی و فرق بچه خسته و غیر خسته رو نمی‌دونی... زور گویی!»

خواهری به اینجای صحبت که می‌رسد خم می‌شود روی دسته تره‌ها و نعنای‌ها و با ولوم پایین می‌گوید: قوطی غذاشو نبرد با خودش. از کوله‌اش در آورد گذاشت رو جاکشی. ماشالله! از هر رفتارش یه خنجر میاد بیرون. دختر تربیت کردم جواهر.

بغضش از کادر که می‌زند بیرون، مثل همیشه ماله را برمی دارم و پادرمیان می‌شوم. نصف طرف او، مابقی سمت گل ترمه.

بعد پاک کردن سبزی‌ها بی‌معطلی شال و کلاه می‌کند برود مدرسه تا دخترش بی‌ناشتایی نماند.

آن وقت من و «بان» که فاتحانه شانه صورتی دستش گرفته، می‌رویم سروقت عزیز... دندانه‌های چوبی در موهای سفید و طلایی که به پیش می‌روند، یاد پاییزهای گذشته می‌افتیم... یاد هفت هشت سالگی... سال‌هایی که می‌گفتند گس‌ترین صبح‌ها را ساختم برای اهالی خانه چون اهل داشتن موهای شانه خورده، بیدار شدن ۶ صبحی و مشق نوشتن نبودم.

تندندند تصویر آن دورها چیده می‌شود توی سرم. یاد عزیز که نه لب ورمی چید، نه داد و فغان می‌کرد، نه تنبیه در مراسم بود. فقط خودش را می‌زد به نشنیدن و صبوری و هربار مثل سرمشق خانوم معلم دم گوشم می‌گفت: می‌دونم دخترتم اشتباهاتشو دوست نداره، می‌دونم که چقدر مهربون و عاقله.

تا به خودم بیایم جای «بان» و «عزیز» عوض می‌شود و این‌بار مادر بزرگ است که دارد سر نوه را آرام آرام شانه می‌کشد.

حالا که عمیق می‌شوم می‌بینم پاییز واقعاً قدّ همه فصل‌ها، جادو و «آبی مچی لاترجی» دارد و قصه‌های به‌در بخور... اصلاً در ذات قشنگش است که آدم را هی دنبال سبزش بکشانند این سو و آن سسو... ببرد به جاهای اصیل و خواستنی... مثلاً تا بهشت... بهشتی که آدم‌های مهربان سرپایش می‌کنند... بهشتی که آنجا نوه و مادر بزرگ همبازی می‌شوند و دیگر آلازیمر معنایی ندارد... بهشتی که مادری خنجر خورده، سر زنگ تفریح دختر کش، مدرسه است... آنجا که بخار قابلمه قیقه، عمای را هم اگر کباب کند تا نیم ساعت بعد پُهاد سوختگی رنگ در را می‌زند. دختری به نام «فرینش» رنگ در را می‌زند.

مدیرکل هنرهای نمایشی کشور در گفت‌وگو با قدس:

تئاتر دفاع مقدس باید به یک جریان تبدیل شود



قهرمائی ۱۰۲ کیلو در دو ضرب به ایران رسید

طلای شگفت انگیز دهدار

روایت مجازی

فکر نمی کردم لو برم!



قدس زندگی: مدتی است

که شایعات مربوط به مافیای سینما، حساسی در فضای مجازی جنجال به پا کرده است. ماجرا هم از جایی آغاز شد که پوستر فیلم «هم گناه» با حضور پرویز پرستویی و فرزندش، بهروز

پرستویی در فضای مجازی منتشر شد. بلافاصله کاربران، آقای پرستویی را متهم به رانت‌خواری و باز کردن پای پسرش به عرصه بازیگری کردند، اما پرویز خان همان موقع با انتشار پستی در صفحه اینستاگرامش نوشت:«در دنیای مجازی اخبار بازی پسرم (بهروز پرستویی) در مجموعه شبکه خانگی (هم گناه) به کارگردانی آقای مصطفی کیایی عزیز، بحث داغی را به‌وجود آورده، به کامنت‌هایی برخوردم که: «بله دیگه، حالا این کار چه تفاوتی با آقایان و آقازاده‌ها داره؟... این‌همه تحصیلکرده هنر داریم، هنوز این فرصت‌ها برایشون پیش نیامده... پرستویی چون خودش تو این کاره پسرشم آورده... پرستویی پس چرا آقازاده‌ها رو شمامت می‌کنه؟» البته آقای مصطفی کیایی در پستی که گذاشتن توضیح دادن علت حضور فرزند من در این مجموعه فقط به خاطر شباهتش به منه، مثل درن مدتی که جوانی رویا تیموریان عزیز رو بازی می‌کنه. ناگفته نماند، بهروز پرستویی در فیلم آژانس شیشه‌ای هم به‌خاطر شباهتش نقش پسر کوچک من رو بازی می‌کرد و همچنین بهروز پرستویی و دخترم هر دو در سریال پهلوانان نمی‌میرند ساخته (آقای حسن فتحی عزیز) که تهیه کننده آن، دوست عزیزم آقای محمد بیک زاده بود و لگت دو کودک بودند و خواست کارشان لگت نماند، در سه اپیزود بازی کرده بودند. بنده اگر می‌خواستم در دنیای بازیگری باشند می‌تونستم کلی حمایتشون کنم، حالا با موفق و با ناموفق، مثل خیلی از عزیزانی که هیچ نسبتی با من نداشتند و در عالم هنر حمایتشون کردم و از خود من هم پرکارتر هستند. اصلاً قصد گذاشتن این پست و نداشتن، ولی احساس کردم خیلی‌ها اذیت شدند و نسبت‌هایی دادند،خواستم بگم نگران نباشید، بهروز پرستویی زندگی خودشو داره و دغدغه‌اش بازیگری نبوده و اگر هم دلش بخواد در این عالم هنر باشه من هیچ نقشی نخواهم داشت، چرا که دنیای بازیگری خیلی بی‌رحم‌تر از این حرف‌هاست، بلد باشی می‌مونی وگرنه با مغز به زمینت خواهد زد».

پس از این ماجرا اما موجی علیه بازیگرانی که به واسطه پدر یا مادرشان وارد این عرصه شده بودند، راه افتاد. کار حتی به جایی رسید که بعضی از شبکه‌های اینترنتی، شروع به افشاگری در این باره کردند. در این میان بخشی از رویدئوی افشاگرانه‌ای که یکی از شبکه‌های مجازی دراین‌باره ساخته بود، در صفحه اینستاگرام بسیاری از چهره‌های سینمای بازی‌نشر شد. بابک برزویه، عکاس و فعال هنری هم یکی از چهره‌هایی بود که این فیلم را در صفحه اینستاگرامش منتشر کرده بود. کمند امیرسلیمانی، یکی از بازیگرانی که به رانت‌خواری محکوم شده بود هم در اکشن به این فیلم در اینستاگرام نوشته است:

دوست و همکار عزیزم بابک برزویه یک فیلمی رو استوری کرده بودند که من با اجازتشون از روش عکس گرفتم. فیلمی که با این جمله شروع میشه: لیست بازیگرانی که توسط پدر و مادر بازیگر شدند لو رفتا خدایش ۴۰ سال پیش که شروع به بازی کردم فکر نمی کردم به روزی لو برم! واقعاً خنده داره سالیان سال از افخارات خانواده‌ها این بود که بچه‌ها حرفه والدین رو ادامه بدن... بچه بازاری می‌رفت حجره پدرش بچه ساختمان‌ساز، ساختمان‌ساز می‌شد. وارد دوره عجیبی شدیم همه می‌خوان با ادبیات عجیب و غریب حال همو بگیرن... همدیگه رو کوچک کنن... تحقیر کنن و ایراد بگیرن و جنجالی به پا کنند. حتی با متوسل شدن به توانایی‌ها و نکات مثبت افرادی کاش که بعضیا استعداد و هوش سرشارشون رو در جهت مفید و مؤثر استفاده کنن که قطعاً معروف هم خواهند شد...».

نگاهی به یک پدیده منفی رایج در فضای مجازی

سیل «خود تحقیری» از کجا آب می خورد؟



امجد تربت‌زاده: سوژه امروز، آن‌قدرها که شکل و شمایل و اصطلاحش نشان می‌دهد، روان‌شناسانه، علمی و پیچیده نیست. بیشتر قرار است درباره مفهومی حرف بزنیم که طبق معمول، یک سر آن، آن هم سر اصل‌اش می‌رسد به فضای مجازی. از روز گذشته هشتگ ##خودتحقیری در این فضا داغ شده و تعداد زیادی از کاربران شبکه‌های اجتماعی تصمیم گرفته‌اند به مقابله با پدیده «خود تحقیری» بپردازند. اتفاق قشنگی است که از دل همان فضایی که مدت‌های طولانی شاهد خودزنی‌ها و خود تحقیری‌های ملی و میهنی در آن بودیم، کنسای آقای مصطفی کیایی عزیز، بحث داغند به گسترش موج خود تحقیری و انتشار محتوایی که دار و ندار مسائل فرهنگی و اجتماعی ایرانیان را به مسخره می‌گیرند، پایان دهند.

خودتان بهتر می‌دانید

مجال است عضو شبکه‌های اجتماعی باشید و تا امروز پست‌ها و محتواهایی را که حاوی حجم انبوهی از «خودتحقیری» اند، ندیده باشید. نوشته‌های ظاهراً دلسوزانه‌ای که با تعریف کردن داستانی سوزناک و اثرگذار، فرهنگ خانواده‌های ایرانی را با خانواده‌های فلان کشور مقایسه می‌کنند، عکس‌هایی که فلان محصول صنعتی ایرانی را کنار محصولی پیشرفته و گرانقیمت قرار داده و نوع ایرانی‌اش را به مسخره می‌گیرند، ویدئوهایی که فلان رفتار و کنش اجتماعی ایرانیان را با رفتاری شیک و ویتربنی در فیلم‌های هالیوودی مقایسه می‌کنند، محتواهایی که تلاش دارند برخی خیابان‌ها، پل‌ها و اتوبان‌های معمولی و قدیمی تهران را در برابر بزرگ‌ترین خیابان‌ها، پل‌ها و... در آمریکا و اروپا، یک شیوخی شهرسازی یا گاف عمران و توسعه معرفی کنند و... موارد زیاد دیگری که لایذ خودتان بهتر از من می‌دانید. این‌هایی که مثال زدیم فقط سرسوزنی است از جریان خود تحقیری که چند سال است در فضای مجازی جریان دارد و در چند ماه اخیر شاید به اوج خود رسیده و صدای اعتراض خیلی‌ها را بلند کرده است.

مال ما... مال اونا

آن اوایل فقط به شیوخی‌های رایج فضای مجازی و یا گلابه‌ها و انتقادهایی شبیه بود که شما مشابهش را می‌توانید در دوره‌می‌های دوستانه هم شنیده و یا گفته باشید. کم کم اما این شوخی‌ها و انتقاده‌ا، بزک شدند، زست و ظاهری کارشناسانه به خود گرفتند، از نام شخصیت‌ها و مشاهیر ایرانی و غیر ایرانی و نظریه‌پردازان بزرگ در آن‌ها استفاده شد و در واقع تبدیل شدند به محتواهای نشان‌دار و پُرانتشاری که دیگر نمی‌شد آن‌ها را به حساب شیوخی‌ها و محتواهای عادی گذاشت که فقط برای سرگرمی در فضای مجازی دست به دست می‌شوند. از همان زمان هم بدون سختگیری و ذره‌بین به دست گرفتن، می‌توانستید سیاه‌نمایی پنهان شده پشت این حجم از

«خود تحقیری» را مشاهده کنید. در یکی دو سال اخیر، آتش تحقیر آفرین فضای مجازی از این‌هایی که گفتیم هم شورتر شد. حالا تحقیر کردن فرهنگ ایرانی، فقط به مقایسه‌هایی که در بالا گفتیم انجام نمی‌شد، جعل، دروغ و شایعه هم به لشکر تحقیرزایی فضای مجازی پیوسته بودند. برای مثال شما تصویری شیک و پررنگ و لعاب از یک اتوبان زیبا را در فضای مجازی می‌دیدید که زیر آن نوشته شده: «این یک اتوبان شهری در ایالت کالیفرنیاست... اینا هم اتوبان دارن... ما هم اتوبان داریم!» تا وقتی یک آدم دقیق با حوصله پیدا نشود و زیر این پست بنویسد: «بابا اینکه اتوبان شهید صدر خودمونه... چرا چاخان نوشتی توی کالیفرنیاست...» پست جعلی و دروغکی «توبانی در کالیفرنیا» در خیلی از گروه‌ها، کانال‌ها و صفحات فضای مجازی منتشر و دست به دست شده و لایک‌های جاق و چله‌ای هم نصیبش شده بود!

مایه شگفتی است

این طور هم نیست که مخالفان «خودتحقیری» طی همین یکی دو هفته متوجه وجود چنین پدیده‌ای در فضای مجازی شده باشند. قرارهم نیست ما ادعا می‌کنیم نخستین کسی هستیم که داریم نگاهی دقیق به یک معضل در فضای مجازی می‌اندازیم. اگر اصطلاح «خودتحقیری» را در اینترنت جست‌وجو کنید به نوشته‌ها و اعتراض‌هایی از این قبیل در خبرگزاری‌ها و روزنامه‌ها برمی‌خورید که تاریخش حتی به یک سال پیش هم می‌رسد: «یکی از صفات اجتماعی مذموم در جامعه کنونی ما، موضوع خود تحقیری است. چرا برخی از ما عادت کرده‌ایم که حتی در کوچک‌ترین حوادث و رویدادهای اجتماعی، مباردت به تحقیر و مسخره کردن ایران و ایرانی کنیم؟ چرا برخی از ما فکر می‌کنند آنچه در ایران داریم و رفتارهایی که از شهروندان ایرانی سر می‌زند، همگی مذموم و مورد شتمانات است و آنچه خارجی‌ها دارند و انجام می‌دهند مدوح و پسندیده؟... برخی از ما عادت کرده‌ایم بزنیم توی سر خودمان و بگوییم ما ایرانی‌ها چنیینیم و چنان. این میزان از انزوی که ما برای خودتحقیری صرف می‌کنیم مایه شگفتی

مجاز آباد

به یاد شهید «سورانی»

محمدرضا هدایتی با انتشار تصویری از شهید دریاقلی سورانی در اینستاگرامش نوشت:«شهید دریاقلی سورانی اوراق‌فروشی بود که در آبان ۱۳۵۹ و در جریان حمله عراق به ایران و پس از اشغال خرمشهر، در ۲۰ کیلومتری شهر آبادان به صورت اتفاقی متوجه تحرکات شبانه سربازان عراقی و عبور آن‌ها از رودخانه بهمنشیر برای حمله غافلگیرکننده و اشغال این شهر شد و به سرعت با دوچرخه‌اش در یک مسیر طولانی رکاب زد و خود را به آبادان رساند و با فریادهایش، مردم و مدافعان شهر را از ماجرای نفوذ و توطئه دشمن آگاه ساخت. این قهرمان ملی پس از ساعت‌ها مقاومت، بر اثر ترکش خمپاره، مجروح و در تاریخ ۲۸ آبان ۱۳۵۹ راه انتقال به بیمارستان و بر اثر شدت خونریزی، در قطار به شهادت رسید».

این گوی و این میدان

نمایندگان مجلس، روز گذشته طرح تشکیل وزارت بازرگانی را تصویب کردند. برخی نمایندگان به دنبال تصویب این طرح، در حساب‌های توئیتر خود، این کار را کمک به دولت برای رفع مشکلات اقتصادی دانستند و از دولت خواستند تا با عزم بیشتری به حل مشکلات اقتصادی مردم بپردازد. احمد امیرآبادی فراهانی، عضو هیئت رئیسه مجلس هم دراین باره در توئیترش نوشت: «آقای رئیس جمهور گفتند با تشکیل وزارت بازرگانی یک هفته‌ای مشکلات بازار را حل می‌کنند. خب ایسن گوی و این میدان تشکیل وزارت بازرگانی هم تصویب شد».

رؤیاهای بزرگ داشتیم

علیرضا جهانبخش، هافبک ایرانی تیم فوتبال برایتون انگلیس، با انتشار تصویری از دوران کودکی‌اش در اینستاگرام نوشت:«زمان چقدر به سرعت سپری می‌شه، انگار همین دیروز نبود که در بازی‌های آموزشگاه‌های کشور شرکت می‌کردم. یک بچه ۱۲ ساله که تو کوچه خیابون بازی می‌کردم ولی همیشه رؤیاهای بزرگ داشتم و براشون تلاش کردم. خاروشکر واسه تمام این سال‌ها. طوری زندگی و تلاش کنيد که پنج سال بعدتون، به این سال‌های سپری شده‌تون افتخار کنید».

سیاست یک بام و دو هوا

سید محمد حسینی، دبیر کل کانون دانشگاهیان ایران اسلامی و وزیر ارشاد سابق در دولت دهم پس از انتشار متن صحبت‌های ترامپ در سازمان ملل، در توئیتر نوشت:«سیاست یک بام و دو هوای کاخ سفید! در حالی‌که ترامپ می‌گوید درصدد تغییر حکومت در ایران نیستیم، پمپئو می‌خواهد در همایش گروه‌های برانداز و تروریست از جمله: تجزیه‌طلبان عرب، منافقین، تجزیه‌طلبان بلوچ و کرد و چریک‌های فدایی خلق شرکت و درباره «اتحاد برای آینده ایران» سخنرانی کند».



تقابل استقلال با منصوریان در «پساردبی»

کالدرون به دنبال انتقام از ژنرال پس از هشت سال

«دیاباتنه» در گفت‌وگو با قدس:

بدشانسی‌های استقلال بیش از حد است



شیخ دیاباتنه به واسطه مصدومیتی که مدت‌هاست با آن دست و پنجه نرم می‌کند، باید یک ماه دور از میادین باشد. شیخ پیش از شروع فصل نیز مصدومیتی را تجربه کرد که سبب شد یک هفته از تمرینات تاکتیکی دور باشد. او حالا نیز اختصاصی تمرین می‌کند تا شاید با عادی شدن شرایط بتواند به میادین بازگردد و استقلال را در بازی‌های لیگ همراهی کند. شیخ به آینده استقلال خیلی امیدواراست...

مدیران سطح بالای ورزش زیر وزنه بی تدبیری

یاغیگری «رستم» در خط پایان

فرهنگ و هنر

پنجشنبه ۴ مهر ۱۳۹۸
۲۶ محرم ۱۴۴۱
۲۶ سپتامبر ۲۰۱۹
سال سی و دوم
شماره ۷۲۹۰

خبر

آخر هفته از تلویزیون چه ببینیم؟

پخش فیلم‌های دفاع مقدسی از تلویزیون



مسافر» از فیلم‌هایی است که در تعطیلات آخِ این هفته روی آنت شبکه‌های سیما می‌رود. به نقل از روابط عمومی سیما، فیلم تلویزیونی «ادیو آبادان» به کارگردانی حمیدرضا هنری، پنجشنبه ۴ مهر ماه ساعت ۲۳ و فیلم «جاده متروک» به کارگردانی علی شاه حاتمی، جمعه ۵ مهر ماه ساعت ۱۶ از شبکه یک سیما پخش خواهد شد. فیلم تلویزیونی «مثل دریا» به کارگردانی جواد مزد آبادی، پنجشنبه ۴ مهر ماه ساعت ۸ از شبکه دو سیما پخش می‌شود. سینمایی «گلوگاه شیطان» به کارگردانی حمید بهمنی، جمعه ۵ مهر ماه ساعت ۲۰ دقیقه بامداد و فیلم تلویزیونی «نامه» به کارگردانی امیرحسین حکمت جو، جمعه ۵ مهر ماه ساعت ۸ از شبکه دو سیما پخش خواهد شد. شبکه سه در آخر هفته سه‌اثر از ابراهیم حاتمی کیا را پخش خواهد کرد. فیلم سینمایی «مهاجر» پنجشنبه ۴ مهر ماه ساعت ۱۰، سینمایی «چ» جمعه ۵ مهر ماه ساعت ۵۰ دقیقه بامداد و «ژانس شیشه‌ای» جمعه ۵ مهر ماه ساعت ۱۴:۳۰ از شبکه یک پخش می‌شود. همچنین فیلم سینمایی «روان قرمز» به کارگردانی ابراهیم حاتمی کیا، جمعه ۵ مهر ماه ساعت ۲۰:۲۰ از شبکه چهار روی آنتن می‌رود. دیگر اثر دفاع مقدسی تلویزیون فیلم سینمایی «مپو» به کارگردانی رسول ملاقلی‌پوراست، که جمعه ۵ مهر ماه ساعت ۱۳:۲۰ از شبکه پنج پخش می‌شود. فیلم های تلویزیونی «تربست» به کارگردانی احسان عبدی پور، پنجشنبه ۴ مهر ماه ساعت ۲۳ و «دریا دالن» به کارگردانی سامان سالور، جمعه ۵ مهر ماه ساعت ۱۳:۳۰ از شبکه شما پخش خواهد شد. فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی «جلاس۲»، «خداحافظ رفیق»، «گمشده در مایل»، «حجرم»، «چهار نوبت»، «شیدا» به کارگردانی کمال تبریزی و «مگ» پنجشنبه ۴ مهر ماه و فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی «پایان آندوه»، «خدای کنار ابرها» به کارگردانی سید جلال دهقانی اشکذری، «کارگاه فاکس»، «درهم برهم»، «چهار نوآ»، «پرواز در شب» به کارگردانی رسول ملاقلی پور و «آخرین مسافر» جمعه ۵ مهر ماه از شبکه نمایش پخش می‌شود. فیلم سینمایی «به کیودی یاس» به کار گردانی جواد ارکانی، جمعه ۵ مهر ماه ساعت ۱۷ از شبکه افق پخش خواهد شد.

دلایل توقف ساخت

مجموعه ۳۰۰ قسمتی «مادر ایران»

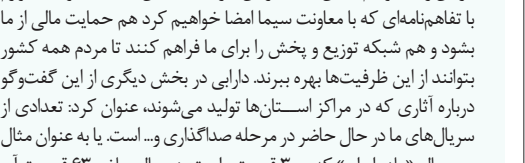


جشنواره فیلم فجر داشته‌اند و برنده جایزه می‌شوند. داریی تصریح کرد: یکی از سیاست‌های جدید ما این است که به استان‌هایی که ظرفیت ساخت فیلم سینمایی دارند، کمک کنیم تا کارهای خوشان را برای جشنواره فیلم فجر بسازند. هم کمک بشود به تولیدات خوب و انقلابی در این زمینه و هم استان‌های ما از این ظرفیت‌هایشان استفاده شود. امیدوارم با تقاضاهمایی که با معاونت سیما امضا خواهیم کرد هم حمایت مالی از ما بشود و هم شبکه توزیع و پخش را برای ما فراهم کنند تا مردم همه کشور بتوانند از این ظرفیت‌ها بهره ببرند. داریی در بخش دیگری از این گفت‌وگو درباره آثاری که در مراکز استان‌ها تولید می‌شوند، عنوان کرد: تعدادی از سریال‌های ما در حال حاضر در مرحله صداگذاری و... است. یا به عنوان مثال سریال «مادر ایران» که ۳۰۰ قسمتی‌است، در حال حاضر ۶۳ قسمت آن نوشته شده و آماده است و یک بخشی از هزینه آن را ما تأمین می‌کنیم و یک بخشی از آن را استان خواهد داد. اما استان مربوط تاکنون نتوانسته به تعهدات خود عمل کند و سازمان صداوسیما هم می‌گوید باید آن پخش تأمین اعتبار شود تا بتوانیم این قسمت را آزاد کنیم و کار کلید بخوریم.شود که کار از آغاز کنیم ولی در نیمه راه رها شود. خود من هم نسبت به این موضوع حساسیت دارم که تا بودجه و شرایط تولید فراهم نشده، کار را رخمی‌کنیم. وی افزود: در معاونت استان‌ها ۲ هزار مستند در کار تولید داریم که یک نضت بزرگ است و ما مستندنی درباره اربعین در سال ۹۵ تولید کردیم که ۳۳ قسمت بود و در سال ۹۶ مستندهای اقتصاد مقاومتی ساختیم و در سال ۹۷ مستندهای شهدای حرم را تولید کردیم که نزدیک به ۲۰۰ اثر شده است. در نتیجه دو مشکل داریم، یک مشکل اساسی این است که بودجه و پشتیبانی‌هایی باید صورت بگیرد و دوم اینکه کل کشور و از جمله سازمان باید توانمندی‌های مراکز استان‌ها را باور کنند.

کتابخانه بین‌المللی مونیخ انتخاب کرد

مجموعه شاعر ایرانی

در بین بهترین کتاب‌های شعر جهان



به نقل از روابط عمومی و امور بین الملل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، کتابخانه مونیخ هرسال علاوه بر معرفی کتاب‌های برتر جهان، در قالب کاتالوگ سالانه White Ravens، در تقویم سالانه خود نیز که با عنوان Children’s Calender منتشر می‌شود، کتاب‌های شعر برتر از شاعران دنیا را معرفی می‌کند که یکی از این کتاب های شعر برتر جهان، مجموعه‌ای از سروده های افسانه شعبان نژاد شاعر ایرانی است. کتابخانه مونیخ چاپ این تقویم تلاش می‌کند افق دید کودکان را در حیطه فرهنگ و به سراسر جهان گسترش دهد و تمامی ارادهای حاصل از فروش این تقویم را نیز صرف پیشبرد اهداف کتابخانه و برگزاری کارگاه‌ها و نمایشگاه‌های بین‌المللی تصویرگری و طرح‌های مربوط به شعر کودکان می‌کند.

مدیر کل هنرهای نمایشی کشور در گفت‌وگو با قدس:

تئاتر دفاع مقدس باید به یک جریان تبدیل شود



♦ **هنرمند، مخاطب و مدیریت فرهنگی سه ضلع مؤثر تئاتر دفاع مقدس است که هرازگاهی پیکان انتقادات یکی از این سه رأس را نشانه می‌رود. هنرمندان معتقدند مسئولان کم‌کاری می‌کنند، متولیان مدعی حمایت از تئاتر دفاع مقدس هستند و مخاطب نیز از آثار کلیشه‌ای دلرزه است. اشکال ماجرا کجاست؟**

به نظر من این موضوع از چند جهت قابل بررسی است و بهتر است در ابتدای بحث حوزه مخاطب را جدا کنیم. معتقدم مخاطب از اثر فاخر و ارزنده به ویژه کار هنری خلقی استقبال می‌کند. مخاطبان مهم‌ترین سرمایه هنر دفاع مقدس به ویژه تئاتر هستند. تجربه این را اثبات کرده است. گاهی به نمایش‌های دفاع مقدسی پرفروشی‌مانند «ختکای ختم خاطره»، «ژن» و... نشان می‌دهد که این ژانر با استقبال مواجه شده و حتی در سینما هم شاهد این هستیم که فیلم‌های دفاع مقدسی با بنابراین اگر اثری ارزشمند باشد مخاطبان از آن استقبال می‌کنند اما نقش مسئولان و هنرمندان در این میان انگار نادیده است.

معتقدم هنرمند با نگاه خلاقانه و احساس تکلیف سراغ مضامین دفاع مقدسی می‌رود و اثر هنری‌اش را خلق می‌کند. بنابراین چیزی که اینجا اهمیت دارد شرایطی است که باید برای هنرمندان ایجاد کرد. به طور مثال یکی از شاخه‌های هنر انقلاب اسلامی، دفاع مقدس است. ما دفاع مقدس را صرفاً به عنوان یک واقعه تاریخی نمی‌شناسیم بلکه آن را به عنوان یک رویداد تاریخی در نظر می‌گیریم که منجر به ایجاد یک فرهنگ، مضمون و اندیشه ویژه شده و همه این‌ها تحت عنوان هنر انقلابی معنا می‌شود که در آن کرامت انسانی، روحیه مقاومت، گذشت و ایثار به عنوان محور مضامین مطرح قرار می‌گیرد و می‌تواند بسیار متنوع هم باشد. حتی می‌توان جدا از موضوعات جنگ تمحیلی، نگاه گسترده‌تری درخصوص رفتار و کنش انسانی نیز داشت.

بنابراین بسیار مهم است که این انگیزه در هنرمند ایجاد شود. گاهی اوقات این انگیزه‌های فردی و

سینما

گزارشی از اکران مردمی «رد خون» در مشهد

حال خوب سینما با «ماجرای نیمروز ۲»

ا فرهنگ و هنر/ زهره کهندل:نخستین اکران فیلم «ماجرای نیمروز ۲: رد خون» با حضور جواد عزتی، هادی حجازی‌فر و بهوش طباطبایی، بازیگران این فیلم از مشهد و با نمایش در سه پردیس سینمایی هویزه، ویلاژتورست و اطلس این شهر کلید خورد.

محمود رضوی، تهیه‌کننده این فیلم در جمع خبرنگاران گفت: پخش عمده‌ای از سینمای ایران در شهرستان‌هاست و گردش مالی خوبی در سینماهای شهرستان‌ها وجود دارد ولی استفاده از این ظرفیت توسط خیلی از همکاران ما در کنار ظرفیت تهران، اولویت ندارد در حالی که روال ما این بوده که نخستین اکرانمان در شهرستان‌ها باشد چون معتقدیم فیلم تنها برای تهران ساخته نمی‌شود.

وی با بیان اینکه نخستین اکران فیلم ماجرای نیمروز ۲ را در مشهد آغاز کردیم که یک روز قبل از اکران تهران است، خواستار حمایت مردمی از این فیلم شد.

♦ **اکنون نمی‌توانم درباره ماجرای نیمروز ۳ حرفی بزنم**

رضوی درباره زمان اکران فیلم گفت: زمان اکران، قابل انتخاب نیست ما نبود چنان‌که اکران این فیلم حواشی زیادی داشت، توسط دانشمندان اکران این فیلم در عید نوروز باشد که نشد، بعد خواستیم در عید فطر اکران شود که باز هم نشد و پروانه نمایش فیلم کمتر از یک ماه است که صادر شده، بنابراین ناچار به انتخاب یکی از زمان‌ها بودیم که اول پاییز را انتخاب کردیم چون در حال حاضر رقیب خاصی در اکران نداریم، رقیبی که سینمایش از جنس سینمای جدی باشد، مثلاً اگر زمان اکران ما یا فیلم خاتم آبیار همزمان می‌شد، هر دو فیلم در فروش لطمه می‌خورد ولی خوشبختانه زمان اکران فیلم ما یا فیلم‌های «متری شیش و نیم» و «شیی که ماه کامل شد» نبود، آن فیلم‌ها اکران شدند و فروش خوبی هم داشتند. وی اول پاییز را زمان نسبتاً مناسبی برای اکران این فیلم دانست؛ چرا که بخشی از مخاطبان این فیلم را دانش‌آموزان نوجوان و دانشجویان تشکیل می‌دهند.

تهیه‌کننده فیلم «ماجرای نیمروز ۲: رد خون» با بیان اینکه فیلم جز یک پلان، ممیزی خاصی نداشت، گفت: نسخه اکران سینمایی فیلم نسبت به نسخه جشنواره ۱۲ دقیقه کوتاه‌تر شده و تغییراتی هم در تدوین دارد.

رضوی درباره احتمال ساخت سری سوم ماجرای نیمروز گفت: اکنون نمی‌توانم درباره ماجرای نیمروز ۳ حرفی بزنم

مدیر کل هنرهای نمایشی کشور در گفت‌وگو با قدس:

گاهی به شکل راهبردی، بنیادی و جریان ساز توسط نهادهای متولی فرهنگ و هنر ایجاد می‌شود. با این اوصاف یکی از شاخه‌های اصلی فعالیت هنری تئاتر دفاع‌مقدس را ایجاد شرایط مناسب توسط نهادهای متولی، مدیریت‌ها و افرادی می‌دانم که مسئولند در این حوزه شرایط لازم را ایجاد کنند.

♦ **حوزه هنری، انجمن تئاتر دفاع مقدس، بنیاد روایت فتح و... از متولیان تئاتر دفاع‌مقدس هستند. چقدر در سیاست‌گذاری‌هایشان به رویکرد تعاملی میان نمایش‌نامه‌نویسان، کارگردانان و مسئولان فرهنگی توجه کرده‌ و از آثار دفاع مقدسی حمایت می‌کنند؟**

این حمایت وجود دارد و می‌توان گفت وقتی صحبت از تئاتر دفاع مقدس می‌شود تمام نهادهای فرهنگی هنری جزو تکلیف خود می‌دانند از وقایعی که مختص تئاتر دفاع مقدس است، حمایت کنند. ضمن اینکه تمام نهادهای فرهنگی و هنری سعی می‌کنند به تناسب آنچه در اختیارشان است و ظرفیت‌هایی که دارند این کار را انجام دهند اما مشکل اصلی ما در این حوزه این است که هماهنگی بین نهادهای هم‌کاری آن‌ها با یکدیگر وجود ندارد، زیرا آن‌ها سیاست‌گذاری واحدی را دنبال نمی‌کنند. مسئله اینجاست برخی از این نهادهای امکانات و اختیارات محدودتری دارند و به تناسب این اختیارات این امکان را ندارند که از این ظرفیت‌ها استفاده کنند اما اگر سیاست‌گذاری هماهنگی بین همه این‌ها شکل بگیرد، می‌توان از همه نهاد و امکاناتشان به درستی بهره برد. به عنوان مثال شاید نهادهی مانند بنیاد روایت فتح سالن اختصاصی دارد اما بودجه‌ای برای حمایت در اختیارش نیست. حال اگر این ظرفیت موجود در کنار یک نهاد دیگری قرار بگیرد که بتواند بودجه را اختصاص دهد، به نظر می‌توان از آن به خوبی استفاده کرد.

♦ **یکی از ایرادات محتوایی که به تئاتر دفاع مقدس وارد است، بحث نمایش‌نامه است. با وجود اینکه در ادبیات داستانی منابع قابل توجهی وجود دارد اما اقتباس در تئاتر دفاع‌مقدس کم‌رنگ است. علت چیست؟**

در وهله اول باید بررسی کنیم و ببینیم اقتباس از کدام حوزه مانند داستان، خاطره، وقایع‌نگاری و... قرار است اتفاق بیفتد و باید ببینیم اساساً در آن بخش چه منابعی وجود دارد. به نظر من این منابع به ویژه منابع ادبی – هنری در این حوزه محدود است و به همین دلیل است که تبدیل به یک جریان نشده است. البته آثاری هم داریم که از یک روایت معروف برداشت و اثر جدیدی خلق شده اما آنچه در هنر اهمیت دارد این است که نمایش‌نامه‌نویس از یک متن برداشت کند یا الهام بگیرد و اثر جامع هنری را در آن موضوع لحاظ کند. مثلاً یک رمان معروف جهانی داستمای خلق یک درام شود. متأسفانه ما در این حوزه دچار ضعف هستیم.

غنی‌ترین بخشی که در دفاع مقدس داریم، خاطره‌نویسی و وقایع‌نگاری رویدادهای دفاع‌مقدس است که این‌ها معمولاً از منابعی است که در تئاتر استفاده می‌شود اما داستان‌های زیادی نداریم، حتی فیلم‌های موفق زیادی هم وجود ندارد و نمایش‌نامه‌های قابل توجهی هم در این عرصه منتشر نشده و یا در اختیار قرار نگرفته است که بتواند الهام‌بخش آثار جدید باشد. من معتقدم جریان اقتباس زمانی اتفاق می‌افتد که منابع متعدد، متنوع و غنی در این حوزه وجود داشته باشد.

♦ **شما در مرکز هنرهای نمایشی برنامه‌ای برای حمایت از ادبیات نمایشی دفاع مقدس دارید؟**

اتفاقاً به دلیل اینکه خودم درام‌نویس هستم به این حوزه اهمیت بسیاری می‌دهم و معتقدم بنیادی‌ترین بخش تئاتر نمایش‌نامه‌نویسی است، از زمانی که به مرکز هنرهای نمایشی آمدمام سعی‌ام بر این بوده که به این حوزه توجه کنم و بیه همین دلیل نیز طرح ویژه مجموعه نمایش «قلم روشن» را به مناسبت هفته دفاع مقدس آغاز کرده و به ۱۰ نمایش‌نامه‌نویس شناخته شده هم سفارش کار داده‌ایم که درباره شخصیت ۱۰ شهید دفاع مقدس اثر تولید کنند. فصل اول این کار با هدف تولید نمایش‌نامه‌هایی با مضامین دفاع مقدس شروع شده و فکر می‌کنم در این حوزه می‌توان بیشتر کار کرد و جلسات نمایش‌نامه‌خوانی برگزار کرد و به سمت تولید نمایش‌نامه‌های موفق رفت. این‌ها از اتفاقاتی است که در این حوزه می‌توان به آن‌ها رسید. ما گام اول را در سال جاری و در هفته دفاع مقدس برداشته‌ایم و هدفمان این است که این برنامه را تداوم ببخشیم و در چند فصل مختلف ادامه‌دار باشد.

♦ **اما مشکل اینجاست که نمایش‌های دفاع**

مقدسی محدود به زمان‌های خاصی است. این حرف کاملاً درست است اما اتفاقاً این پروژه اصلاً مناسبی نیست. واقعیت این است که دفاع مقدس یک تاریخ تقویمی است که هویت این اتفاق را به ما یادآوری می‌کند. این خوب است که در تقویم موضوعاتی برای ما یادآوری شود اما دفاع مقدس محدود به زمان و دوره خاصی نیست. همان طور که در ابتدای صحبت‌هایم نیز اشاره کردم دفاع‌مقدس موضوعی فراتر از جنگ هشت ساله است. یک فرهنگ، بینش و اندیشه و در راستای هنر انقلاب اسلامی است که با شکل‌گیری یک واقعه تاریخی ایجاد شده و محدود به زمان مشخصی نیست.

♦ **شما یکی از اعضای شورای سیاست‌گذاری انجمن تئاتر انقلاب و دفاع هستید. در این انجمن چه برنامه و تمهیداتی اندیشیده شده و چه تصمیماتی اتخاذ می‌شود مبنی بر اینکه تعامل میان تئاتری‌ها بیشتر شده و تئاتر دفاع مقدس به رشد و تعالی برسد؟**

در جلسات شورای سیاست‌گذاری درباره موضوعات مختلفی که می‌تواند به جریان تئاتر دفاع مقدس کمک کند، گفت‌وگو و مسائل مختلف را بررسی می‌کنیم. خوشبختانه اعضای شورا از چهره‌های شناخته شده تئاتر دفاع مقدس هستند و با یکدیگر مواردی را دنبال می‌کنیم و ایده‌های مختلف را به بحث و بررسی می‌گذاریم تا بتوانیم به طرح و برنامه برسیم. در جلساتی که تاکنون برگزار شده با دغدغه‌مندی به این موضوعات پرداخته‌ایم و مهم این است ایده‌ها و گفت‌وگوهایی که بین ما برای این موضوعات مطرح می‌شود، بتواند تبدیل به یک جریان واحد و فعال برای اقدامات عملی شود.

♦ **به عنوان کسی که مسئولیت اجرایی دارید و سال‌ها در فضای نمایش‌نامه نویسی و کارگردانی حضور فعال دارید، وضعیت امروز تئاتر دفاع مقدس را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

اگر بخواهم بگویم وضعیت خیلی خوب است یا اصلاً مناسب نیست، به چنین تحلیلی معتقد نیستم. من فکر می‌کنم جریان تئاتر دفاع مقدس یک ضرورت است. ما در طول سال معمولاً آثاری را داریم که با مضمون دفاع مقدس تولید و اجرا می‌شوند. این آثار یا سفارش مدیران هنری یا دغدغه‌فردی هنرمند است اما تاوقتی این تبدیل به یک جریان مستمر نشود، نمی‌توانیم از آن بهره کامل ببریم.

چند اتفاق خوب هم در این سال‌ها شکل گرفته است. اولاً راهاندازی یک سالان ویژه تئاتر دفاع مقدس اتفاق خیلی خوبی است و من بارها گفتم‌ام که باید سالان ویژه تئاتر کودک و نوجوان، تئاتر عروسکی و نمایش‌های آیینی سنتی داشته باشیم. این موارد از آن دست موضوعاتی است که هویت‌بخشی می‌کند و از طرفی دیگر هنرمندان فعال بسیاری داریم که با این نوع آثار دفاع مقدسی شناخته می‌شوند. مهم این است که ما جریان تئاتر دفاع مقدس را به یک جریان پویا، مستمر و همیشگی تبدیل کنیم.

دوست دارم، امیدوارم مخاطبان در اکران، ارتباط خوبی با آن برقرار کنند.

نقش «صادق» جزو بازی‌های خوب من است

جواد عزتی هم درباره ایفای نقش «صادق» در فیلم «ماجرای نیمروز ۲: رد خون» آن را جزو معدود بازی‌های خوب خود دانست و گفت: اگر ماجرای نیمروز ۲ ساخته نمی‌شد این فرصت به وجود نمی‌آمد که ابعاد دیگری از شخصیت «صادق» را نشان بدهم و بازی در این فیلم برای من بسیار جذاب بود.

وی افزود: وقتی به بازی خودم در ماجرای نیمروز ۲ نگاه می‌کنم از ایفای نقشم در سری دوم این فیلم، چندین برابر بیشتر نسبت به ایفای نقشم در سری اول، خوشم می‌آید و رضایت دارم چون خیلی بهتر شده است.

این بازیگر خاطرنشان کرد: معمولاً در انتخاب‌هایی که از بهترین بازی‌هایم دارم، ایفای نقش «صادق» در ماجرای نیمروز ۲ جزو دو سه تای اول است و جزو بهترین بازی‌هایم

است که خیلی دوستش دارم.

وی درباره اینکه نگرانی از لو رفتن بازی‌اش در ایفای نقش «صادق» در سری دوم ماجرای نیمروز نداشت، اظهار کرد: اتفاقاً در سری‌سازی، شخصیت به تکامل می‌رسد و جذاب‌تر می‌شود. فیلمساز و بازیگر، کاراکتری را به وجود آورده‌اند که در سری‌های بعدی فرصت دارند ابعاد دیگری از شخصیت آن را نشان دهند یا در موقعیت‌های دیگری قرارش بدهند.

عزتی افزود: بازیگرانی که در ماجرای نیمروز ۱ و ۲ بودند همچون من، آقای حجازی‌فر، آقای زمین‌پرواز و آقای مهری، بازی‌های بهتری نسبت به سری اول فیلم داشتیم، چون شناختمان از آن شخصیت‌ها بیشتر شده بود.

این بازیگر که پر فروش‌ترین آثارش در ژانر کمدی بوده است، درباره بازی در گونه‌های مختلف سینمایی گفت: من با کمدی شروع نکردم که بگویم تغییر رویکردی در بازی‌گری را داشته‌ام. من در همه ژانرها کار کردم و اتفاقاً با فیلم جدی در سینما شروع به کار کردم که بین آن‌ها چند فیلم کمدی هم بازی کردم. به نظر فیلم خوب، فیلم خوب است و فرقی نمی‌کند که جدی باشد یا کمدی.

فیلم سینمایی «ماجرای نیمروز ۲:رد خون» به کارگردانی محمدحسین مهدویان و تهیه‌کنندگی محمود رضوی از دیروز در سینماهای سراسر کشور اکران شده است.



کارگردان در جریان نظرات قرار بگیرد و آقای مهدویان آن‌قدر باهوش بود که نظرات اعضای تیم را در نظر بگیرد.

وی با بیان اینکه سری‌سازی در همه جای دنیا باب است، تغییر کرد: نمی‌دانم در کشور ما به چه دلیل برخی چیزها تبدیل به ضارزش شده است اینکه گفته می‌شود سری‌سازی برای یک فیلم موفق، خوب نیست، من اعتقادی به آن ندارم. این بازیگر اضافه کرد: لزوماً قرار نیست که همه نقش‌ها، یک کاراکتر جدید بسازیم، اینکه یکی بتواند آن کاراکتری را که ساخته، با فضای جدید و قصه جدید وفق بدهد و بازی‌اش بیرون بزند یا اجازه بدهد که بازیگران جدید در کار تعریف بشوند و کاراکتر آن‌ها هم دربیاید، این‌ها اهمیت دارد.

ما تمام تلاش خودمان را در این راستا کردیم مثلاً اگر چه جایی که احساس می‌کردم به خاطر ریتم و قصه باید فیتنبه را پایین بکشم، حتماً این کار را می‌کردم یا اگر لحظه‌ای بود که احساس می‌کردم کاری به نفع فیلم و قصه است، حتماً کنار می‌آمدم. وی گفت: به نظر من اتفاقی که در این فیلم باید می‌افتاد، رخ داد. بازیگرانی که به کار اضافه شدند کار سخت‌تری داشتند، تلاش کردیم که همبازی‌های خوبی در کنار آن‌ها باشیم و اگر کمکی به آن‌ها نکردیم، دست کم آسیبی به بازی‌هایشان نزнім.

حجازی‌فر درباره ایفای نقش «کمال» در فیلم‌های ماجرای نیمروز ۱ و ۲ گفت: ویژگی کار رو به جلو، این است که «خون» تجربه بسیار سخت و لذتبخشی بود و فیلم را خیلی